1 - آیا تجارت یک بازی برد – باخت است یا یک بازی برد – برد ؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا باید دریافت که چرا کشورر ها تجارت می کنند . یک کشور تجارت می کند زیرا انتظار دارد منافعی را از تجارت با شریک تجاری اش بدست آورد . ممکن است این سوال مطرح شود که تجارت یک بازی برد – باخت است که در آن یک طرف چیزی از دست خواهد داد و طرف دیگر منافعی بدست خواهد آورد . جواب آن منفی است زیرا اگر چه یک طرف با هزینه طرف دیگر به منافعی دست یابد هیچ کدام از طرفین خواهان مبادله ای با ریسک بالا نخواهند بود . برای تجارت هر دو کشور باید انتظار بدست آوردن منافعی را داشته باشند به عبارت دیگر تجارت یک بازی برد – برد است و هدف تجارت کسب سود دوطرفه است .

2 – مفهوم مزیت مطلق و مفهوم مزیت نسبی را شرح دهید ؟

مزیت مطلق : نظریه مزیت مطلق برای اولین بار توسط آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل مطرح شد براساس این نظریه چنانچه کشوری بتواند کالایی را ارزانتر از کشور دیگر تولید کند و کشور مقابل نیز کالای دیگری را ارزانتر از کشور نخست تولید کند هر یک از کشور ها در تولید کالایی که ارزانتر تولید کرده اند دارای مزیت مطلق هستند . بنابراین چنانچه هر کشور به صدور کالایی که درآن مزیت دارد و به ورود کالایی که درآن مزیت ندارد مبادرت ورزد هر دو کشور از این مبادله نفع خواهند برد .

مزیت نسبی : نظریه مزیت نسبی توسط اقتصاددان انگلیسی دیوید ریکاردو پایه گذاری شد . بر اساس مفهوم مزیت نسبی چنانچه کشوری یک کالا را نسبت به کالاهای دیگر ارزانتر تولید کند این کشور در تولید چنین کالایی مزیت نسبی دارد . به علاوه اگر کشور مذکور بتواند کالای مورد نظر را در مقایسه با سایر کشور ها با هزینه پایین تری صادر کند در مقایسه با سایر کشورها از مزیت نسبی در صادرات برخوردار می باشد .

3 –اگر الف ) یک کشور دارای مزیت مطلق برای همه تولیدات نسبت به شریک تجاری اش باشد ب ) اگر نرخ داخلی ارز با دیگر کشور ها برابر باشد باید تجارت کند ؟

در چنین وضعیتی تجارت احتمالاً به دو دلیل اصلی مناسب نیست .به عنوان مثال اولاً چون آمریکا 100 % بهتر از ژاپن برای هریک از تولیدات است مزیت نسبی برای آمریکا برای هر دو کالا یکسان است دوماً چون هر دو کشور دارای نرخ داخلی یکسانی هستند . هیچ انگیزه یا منفعتی از تجارت با دیگری ندارند . اگر چه در آمریکا و ژاپن ، یک واحد کامپیوتر برابر با دو اتومبیل خواهد بود . وقتی سایر هزینه ها مانند حمل و نقل و ... محاسبه می شود بسیار گرانتر از صادرات کالا از یک کشور به کشور دیگر تمام می شود . بنابراین تجارتبین الملل یک کارکرد در برابر نرخ های ارز داخلی مختلف است و این اختلاف نرخ ارز سبب اختلاف قیمت یا هزینه نسبی می شود .

4 – تئوری عوامل بنیادی چیست ؟

هکچر در سال 1919 و اهلین در سال 1933 برپایه بررسی های خود نظریه دیگری را در زمینه مزینت نسبی ارایه نمودند . این دو اقتصاددان چنین استدلال نمودند که مزیت نسبی از تفاوت در میزان بهره مندی کشور ها از منابع ملی ( عوامل طبیعی تولید ) حاصل می شود . منظور آنها از این عوامل به طور مشخص زمین ، کار و سرمایه بود . کشور ها از نظر میزان برخورداری از منابع طبیعی متفاوت هستند در نتیجه هزینه عوامل تولیدآن ها با هم متفاوتمی گردد . هر چه یک عامل تولید فراوانتر باشد هزینه تامین ان هم کمتر خواهد بود . بر پایه این نظریه کشور ها کالاهایی را صادر می کند که در تولید آن ها از عوامل تولید فراوان کشور به میزان زیادی استفاده شده است و در مقابل کالاهایی را وارد می کنند که در تولید آن ها از عوامل کمیاب کشور زیاد به کار رفته باشد .

5 – نظریه معمای) لئونتیف را شرح دهید ؟

استدلال لئونتیف این بود که بر اساس نظریه وفور عوامل ، با توجه به اینکه آمریکا منابع مالی بیشتری نسبت به سایر کشور ها در اختیار داشت انتظار می رفت که صادر کننده کالاهای سرمایه بر و درمقابل وارد کننده کالاهای کاربر باشد اما بر خلاف تصور مشاهده شد که صادرات این کشور کم تر از وارداتش از کالاهای سرمایه بر تشکیل گردیده است چون نتیجه مطالعات لئونتیف با پیش بینی های نظریه هچکر- اهلین مغایرت پیدا می کرد آنرا معمای لئونتیف نامیدند . بر پایه این تحلیل شاید بهترین راه برای حل این معما این باشد که به نظریه ریکاردو برگردیم در این نظریه تفاوت های بهره وری در کشور ها الگوی تجارت بین الملل را تشکیل می دهند . به کمک این نظریه می توان اینگونه استدلال کرد که امریکا به این علت صادر کننده هواپیمای تجاری و وارد کننده اتومبیل است که در تولید هواپیما نسبت به اتومبیل کارآمدتر است یا بهره وری بالاتری دارد نه صرفاً به خاطر اینکه از عوامل تولید مورد نیاز هواپیما به وفور برخوردار است .

6 – در مورد مفاهیم الف ) منطقه آزاد تجاری ب ) اتحادیه گمرکی ج ) بازار مشترک د ) اتحادیه اقتصادی ه ) اتحادیه سیاسی بحث کنید .

منطقه آزاد تجاری : در مناطق آزاد تجاری کشور های عضو حقوق گمرکی بین خودشان را حذف می کنند هر چند که به طور جداگانه تعرفه هایی در برابر کشور های غیر عضو را حفظ می کنند . مناطق آزاد تجاری مانند NAFTA و EFTA و ........ می باشد . هدف مناطق آزاد تجاری تسهیل تجارت بین کشور های عضو می باشد .

اتحادیه گمرکی : وسعت عمل يك اتحاديه حقوقي گمركي فراتر از يك ناحيه آزاد تجاري است در واقع نه تنها هيچ تعرفه‌اي بر تجارت بين اعضاء وجود ندارد،‌بلكه اعضاء يك تعرفه متحدالشكل در مقابل كشورهاي غير عضو در زمينه تجارت دارند.

بازار مشترک : بازار مشترك در واقع،‌ شامل اتحاديه حقوق گمركي مي‌شود امابسيار فراتر از آن؛‌ به اين دليل كه هدف استاندارد سازي يا هماهنگ‌كردن كليه آئين‌نامه‌هاي دولتي موثر بر تجارت را دنبال مي‌كند. به طور خلاصه بازار مشترك، اتحاديه حقوق گمركي است كه نيروي كار و سرمايه به آساني قابل مبادله است.

اتحاديه اقتصادي :

اتحاديه اقتصادي زمينه اي را براي كشورهاي عضو ايجاد مي‌كند به طوري كه از نظر اقتصادي(مالي، پولي)با يكديگر هماهنگي‌هاي لازم را داشته باشند؛ بنابراين اتحاديه اقتصادي سازماني است كه يك منطقه آزاد تجاري، اتحاديه گمركي، بازار مشترك براي كشورهاي ديگر ايجاد مي‌كند.

اتحادیه سیاسی :

اتحادیه سیاسی نمونه نهایی همکاری های منطقه ای است که شامل یکپارچگی هر دوی سیاست های اقتصادی و سیاسی است . نمونه آن اتحادیه اروپا است .